

# استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی

محمدجعفر حبیبزاده<sup>۱\*</sup>، قاسم کرامت<sup>۲</sup>، مرتضی شهبازی نیا<sup>۳</sup>

۱. استاد گروه حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی دوره دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۸۹/۹/۱۳

دریافت: ۸۸/۸/۱۶

## چکیده

یکی از اصولی که بدون آن اجرای صحیح عدالت امکان‌پذیر نیست، استقلال قضایی در معنای آزادی قاضی از هرگونه مداخله و تأثیرپذیری از صاحبان قدرت و اصحاب دعوا است. این اصل در احکام اسلامی و اسناد بین‌المللی و نظام‌های مختلف حقوقی جهان پذیرفته شده است. قانونگذار ایران - قبل و بعد از انقلاب اسلامی - مقرراتی را در راستای اجرای این اصل وضع کرده است؛ هرچند کیفیت تنظیم و نگارش مقررات مذکور از جامعیت و مانعیت لازم برخوردار نیست و عملکرد دست‌اندرکاران و مقامات ذیربط نیز همین مقررات ناقص را نیز بی‌اثر کرده و استقلال قضایی را در نظام حقوقی ایران، در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. در مقاله حاضر پس از تبیین مفهوم، مبانی، دلایل و اهداف استقلال قضایی، به تجزیه و تحلیل موضوع و تبیین وضعیت آن در نظام حقوقی ایران پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: استقلال قضایی، تفکیک قوا، استقلال سازمانی، پاسخگویی قضایی

## ۱. مقدمه

اقتضای ایجاد جامعه بشری، پیش‌بینی نهاد قضاوت بیطرفانه برای حل و فصل دعاوی و خصومت بین افراد است. بیطرفی منوط به برخورداری قاضی از استقلال کافی است. به همین



دلیل به رغم فقدان حمایت قانونی از استقلال قضایی در جوامع ابتدایی، التزام به آن به‌عنوان نیاز واقعی جامعه مورد توجه بود. متون تاریخی بیانگر این واقعیتند که استقلال قضایی، در عصر باستان شناخته شده بود. در احکام اسلامی نیز ادله فراوانی بر لزوم استقلال قاضی دلالت دارند. این اصل در اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف نیز پذیرفته شده است. در ایران، تدوین‌کنندگان متمم قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصولی را به این موضوع اختصاص داده‌اند. بدین ترتیب می‌توان گفت استقلال قضایی در عصر کنونی، به اصلی ثابت و غیرقابل انکار مبدل گشته است. در این مقاله با توجه به ماهیت موضوع، با روش تحلیلی - توصیفی، تلاش گردیده تا وضعیت این اصل در حقوق ایران با توجه به اسناد و تعهدات بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد و به سؤالات موجود در این رابطه از جمله چیستی مفهوم استقلال قضایی، مبانی و دلایل حقوقی و اهداف این اصل و نیز شرایط تحقق و عوامل اثرگذار بر آن پاسخ داده شود.

## ۲. مفهوم استقلال قضایی

پشتیبانی از حقوق شهروندان و اجرای عدالت، رسالت خطیری است که قانون اساسی به عهده قوه قضاییه نهاده و به این قوه موقعیتی ویژه بخشیده است. این موقعیت، استقلالی را طلب می‌کند که با استقلال سایر نهادهای حکومتی تفاوت اصولی دارد. استقلال قضایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول تضمین سلامت و شرافت قضا [۱]، مفهومی است که وضعیت ایدئال قوه قضاییه را بیان می‌کند و این معنا را در بر می‌گیرد که قضات و قوه قضاییه به‌عنوان یک کل، آزاد از هرگونه اعمال نفوذ و تأثیرپذیری عمل می‌کنند.

طبع کار قضا به گونه‌ای است که امکان جلب رضایت تمامی افراد برای قاضی میسر نیست و در بیشتر موارد یک طرف و در بعضی موارد هر دو طرف دعوا، از تصمیم قاضی ناراحت می‌شوند و با وارد ساختن انواع فشارها سعی بر تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری در جهت دلخواه دارند. استقلال قضایی، مانع مستحکمی است که فشارها را بی‌اثر و تلاش برای اعمال نفوذ را خنثی سازد. قاضی مستقل هنگام اتخاذ تصمیم، از ترس مجازات یا از دست دادن شغل به دلیل قضاوت عادلانه و تفسیر صحیح قانون، نظرش را تغییر نمی‌دهد. از آن‌جا که بهره این اصل به عموم شهروندان می‌رسد، اصل مزبور نه‌تنها با دموکراسی

مغایرتی ندارد، بلکه تقویت‌کننده آن است؛ زیرا بدون استقلال قضایی، آزادی شهروندان تأمین نخواهد شد. [۲، ص ۷] بیطرفی قاضی، استقلال قضایی و اعتماد عمومی به قوه قضاییه از ارکان یک جامعه مردم‌سالار است. در مقابل، کاهش اعتماد عمومی به استقلال قوه قضاییه بیانگر ضعف ساختار دموکراتیک جامعه و در معرض خطر بودن حقوق و آزادی‌های شهروندان است. [۳] سازمان ملل متحد در اسناد مختلف، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، و مصوبه مربوط به اصول اساسی استقلال قضایی به این مقوله توجه کرده و تمامی کشورهای عضو را به وضع قوانینی در راستای تضمین استقلال قضایی سفارش کرده است. با وجود این در مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی تعریفی از آن ارائه نشده است. برخی اسناد بین‌المللی، نظیر اصول اساسی استقلال قضایی (۱۹۸۵) و اصول بنگلور درخصوص رفتار قضایی (مصوب ۲۰۰۲ گروه قضایی تقویت یکپارچگی قضایی)<sup>۱</sup>، بدون ارائه تعریف، به تبیین جنبه‌های مختلف آن پرداخته‌اند. برخی معتقدند که در بستر تبیین تهدیدات خاصی که متوجه موجودیت استقلال قضایی است بهتر می‌توان معنا و مفهوم آن را به‌درستی فهمید. [۴] اما بیش‌تر نویسندگان، استقلال قضایی را استقلال قضات از حکومت و از هر گونه تأثیرپذیری و مداخله مقامات دیگر در وظایف آنان دانسته‌اند. در عمل، تحقق این استقلال به همان معنای لغوی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا قضات در دادگاه‌هایی به قضاوت می‌پردازند که به وسیله حکومت تأسیس شده و خود نیز حقوق‌بگیر حکومتند. بنابراین، استقلال مطلق، نه عملی است و نه به صورت خاص مطلوب. منظور از استقلال قضایی عدم جواز دخالت و تأثیرگذاری از جانب دیگران بر قوه قضاییه در معنای عام و قضات در معنای خاص، در صدور احکام و قرارهای قضایی و آزادی امر قضا از هرگونه مداخله و فشار و گردن نهادن همه به احکام صادرشده است. [۵] این ممنوعیت، دخالت و تأثیرگذاری قوای مجریه، مقننه و مدیران قوه قضاییه و کلیه افراد ذینفع در دعوا و رسانه‌های جمعی را شامل می‌شود. استقلال قضایی، مقتضای امتناع قضات از پذیرش هر نوع دخالت یا تأثیرپذیری و مقابله با ظلم از ناحیه هر شخص و مقام است. قاضی در انجام وظایف خویش در برابر هیچ مقام قدرتمند و صاحب‌نفوذی، نباید سر تسلیم فرو آورد و باید فقط در راستای اجرای حق و بر قراری عدالت و در انطباق کامل با قانون عمل کند. [۶، ص ۳]

---

1. The Bangalore Principles of Judicial Conduct



لازمه تحقق چنین استقلالی، وجود قوه قضاییه مستقل و نیز استقلال فردی قضات از هرگونه اعمال نفوذ، هدایت و کنترل نامناسب بیرونی و درونی است. بنابراین، استقلال قضایی واجد دو جنبه است: استقلال در تصمیم‌گیری قضایی و استقلال سازمانی. [۴]

## ۲-۱. استقلال قضایی سازمانی

استقلال سازمانی از بعدی، ناظر به اصل تفکیک قوا است و معرف قوه قضاییه به‌عنوان یک شاخه مجزا و هم‌تراز با سایر قوای حکومت است که آن را از مداخلات غیرقانونی مصون می‌سازد و قوای دیگر را موظف به شناسایی صلاحیت دادگاه‌ها و اجرای احکام آن‌ها می‌کند. لازمه تحقق این معنا تمرکز امر قضا در قوه قضاییه و حاکمیت اصل یکپارچگی قضایی<sup>۱</sup> است؛ والا تحقق استقلال قضایی، غیرقابل تصور است.

از مهم‌ترین ابعاد استقلال سازمانی، بعد ساختاری آن است، به نحوی که اعمال نفوذ و وارد کردن فشار بر قضات حتی از درون قوه قضاییه نیز امکان‌پذیر نباشد. برخورداری دادگاه‌ها از رتبه‌بندی قضایی متفاوت ممکن است باعث پذیرش نوعی سلسله‌مراتب ساختاری در میان دادگاه‌ها گردد. وجود چنین وضعیتی، این تهدید بالقوه را موجب می‌شود که در اندرون قوه وضعیتی پیش آید که یک قاضی تلاش کند در امور قاضی دیگر اعمال نفوذ کند. برای تحقق کامل استقلال باید به این موضوع توجه و تمهیدات لازم در این رابطه پیش‌بینی شود. البته اصل استقلال در برگیرنده رویه قضایی و فرایند تجدید نظر نیست. [۷] بعد دیگر استقلال سازمانی، «استقلال اداری» دادگاه است، به این معنا که هیچ کس نمی‌تواند در چگونگی مدیریت فرایند دادرسی و نحوه انجام وظایف دادگاه مداخله کند. [۸]

استقلال سازمانی به دنبال ارتقای سطح مدیریت و اختیارات قوه قضاییه و اعمال مناسب قدرت قضایی است تا این قوه بتواند در جهت انجام رسالت خطیر خود گام بردارد و قدرت رفع موانع احتمالی را به دست آورد. در این راستا استقلال ناشی از تفکیک قوا (اصل ۵۷ ق.ا) که به منظور توزیع وظایف بین نهادها و پیشگیری از استبداد در زمامداری پیش‌بینی شده، تنها یک جنبه از جنبه‌های استقلال قضایی از نظر سازمانی است. منظور از استقلال سازمانی، استقلال مطلق نیست، بلکه استقلال محدود و مشروط است. معنای استقلال سازمانی این

1. judicial integrity

نیست که قوه قضاییه یا دادگاه، مافوق تمامی بخشهای دیگر حکومت است، بلکه منظور برخورداری قوه قضاییه از جایگاهی برابر از هر حیث با سایر قوا است، به گونه‌ای که بین این قوه و قوای دیگر احترام متقابل و تعامل سازنده برقرار شود. استقلال قضایی، انفصال قضایی یا انزوای قضایی نیست. انفصال، سوءظن و بدگمانی ایجاد می‌کند و سوءظن، بی‌اعتمادی را به دنبال خواهد داشت که از عوامل تضعیف استقلال قضایی است. استقلال از طریق همبستگی و تعامل تقویت می‌شود. [۹] قانون اساسی ایران برای استقلال قوه قضاییه از لحاظ سازمانی، جایگاه خاصی را در نظر گرفته است و علاوه بر تأکید بر استقلال ناشی از تفکیک قوا (اصل ۵۷)، استقلال قضایی به معنای بالا را نیز مد نظر داشته و در اصل ۱۵۸ بر آن تأکید کرده و با درک موقعیت خطیر و مراتب خطر در قوه قضاییه، تضمین‌هایی را برای آن پیش‌بینی و به این قوه استقلال سازمانی شایسته‌ای اعطا کرده است. [۱۰، ج ۲، ص ۳۷۰]

## ۲-۲. استقلال فردی قضات

قضات هنگام اتخاذ تصمیم باید از تبعیت از هر کس، غیر از قانون، آزاد و بدون ترس و به دور از جانبداری اصحاب دعوا باشند و هیچ عاملی، اعم از فشار افکار عمومی، فشار مقامات سیاسی، تأثیر منافع فردی و حزبی، عواطف شخصی و... نتواند بر حکم آنان تأثیر گذارد و همچنین باید قانون را عادلانه اعمال و تنها براساس واقعیات پرونده تصمیم بگیرند. منظور از استقلال فردی قضات، استقلال آنان در تصمیم‌گیری است که نقش برجسته‌ای در تحقق بیطرفی و انصاف قضایی دارد. [۱۱، ص ۳۵] استقلال فردی نیز همانند استقلال سازمانی، مطلق نیست و دارای محدودیت‌های خاص است. لذا منظور از این استقلال، رهایی از تمامی اعمال نفوذها و انتقادهای نیست، بلکه اعمال نفوذ ناروا و انتقادهای مخرب مد نظر است؛ زیرا آرای قضایی از تجدیدنظر مصون نیستند و یا اتخاذ تصمیم بدون تأثیرپذیری از بحث‌های مطرح‌شده در جلسه دادگاه صورت نمی‌گیرد. [۹]

از موضوعات اجتناب‌ناپذیری که قاضی با آن مواجه است، رابطه با مقامات مافوق یا به عبارتی «کارفرمایان قضایی» [۱۲] اعم از رئیس دادگستری محل خدمت، دادگاه‌های بالاتر و سایر مقامات قوه قضاییه است. این رابطه بسیار حساس و برای استقلال فردی، تهدیدی جدی است. حتی اگر از لحاظ آیین دادرسی، هیچ رابطه‌ای بین آنان وجود نداشته باشد، روابط کاری

درون‌سازمانی می‌تواند بر استقلال قضایی تأثیر بگذارد. لذا باید مقررات دقیقی در این خصوص وجود داشته باشد تا مانع هرگونه اثرگذاری یا اثرپذیری نامناسب گردد. تحقق عملی استقلال فردی و تعیین حدود و ثغور آن، همانند استقلال سازمانی منوط به پیش‌بینی قانونگذار است.

### ۳. مبانی، دلایل و اهداف استقلال قضایی

این بحث را در دو بخش مبانی و دلایل استقلال، و اهداف استقلال پی می‌گیریم:

#### ۳-۱. مبانی و دلایل استقلال

خداوند همه جهان را براساس عدل آفریده و این کیفیت حکیمانه، اساس تقدیرهای آفرینش است. پیامبر(ص) می‌فرماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ». [۱۳، ج ۱۸، ص ۲۴۲] امام علی (ع) می‌فرماید: «الْعَدْلُ أَسَاسُ بِنَاءِ الْعَالَمِ». [۱۴، ج ۷۵، ص ۸۳] بنابراین، عدل شالوده‌ای است که نه تنها قوام جوامع بشری، بلکه کل جهان وابسته به آن است. به عبارت دیگر، عدل مبانی است که تمام هستی بر آن استوار گشته و جزء ناموس خلقت است. استقلال قضایی ریشه در اجرای عدالت دارد و منظور از آن، رعایت تساوی بین ضعیف و قوی، و فقیر و غنی است. به همین دلیل، ضرورت وجود استقلال قضایی به‌عنوان مهم‌ترین لازمه اقامه عدل، به حکم عقل و بدون وجود نص قانونی نیز قابل دریافت است. علاوه بر عدالت، از آن‌جا که تصمیم‌گیری نهایی در مورد حیات، آزادی‌ها، حقوق، تکالیف و اموال شهروندان بر عهده قضات نهاده شده، استقلال قضایی دارای ارتباط محکمی با موضوع حقوق بشر است. [۱۵] در مقدمه اصول اساسی استقلال قضایی و در اصول بنگلور نیز این مبنا مورد توجه قرار گرفته است. دستگاه قضایی به‌عنوان متولی اصلی اقامه عدل، گرچه خود بخشی از حکومت است، باید پناهگاه شهروندان در مقابل زیاده‌خواهی‌های اصحاب قدرت و متعرضین به قانون باشد و مانع سوءاستفاده از قدرت توسط سایر نهادهای اجرایی گردد و از حقوق شهروندان حمایت کند. اجرای برخی از حقوق شهروندان، نیازمند مداخله دولت است و چنانچه این مداخله صورت نگیرد، دستگاه قضایی باید دولت را وادار به چنین کاری کند. همچنین اعمال سایر حقوق در نهایت به اجرای صحیح قانون بستگی دارد. این رسالت عظیم اقتضا می‌کند دستگاه قضایی از فشار، تأثیر و مداخله دستگاه‌های اجرایی و تقنینی کاملاً به دور و مستقل باشد. در غیر این صورت، اعتماد

عمومی به نظام قضایی خدشه‌دار می‌گردد. تأمین این اعتماد، مبنای دیگر استقلال قضایی است. از آن‌جا که وظیفه قضات فصل خصومت است، جایگاه آنان در جامعه اعتبار خاصی دارد و اقتضا دارد مورد اعتماد شهروندان باشند تا ضمن آسودگی خاطر از بابت حفظ حقوق خود و اجرای عدالت، دادگستری را پناهگاه خویش بدانند. نیل قاضی به چنین جایگاهی در صورتی امکان‌پذیر است که عملکرد او فارغ از شبهه‌جانبداری باشد و در اجرای عدالت با استقلال کامل عمل کند. اصول بنگلور در مواد ۶-۱ و ۲-۲ این مبنا را مورد تأکید قرار داده است. به لحاظ مبانی مزبور، استقلال قضایی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، نظیر ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصول اساسی استقلال قضایی، اصل اول از اصول بنگلور، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر، بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. در نظام حقوقی ایران نیز در کنار اصل ۵۷، ۱۵۶ و ۱۶۴ ق.ا. مقررات تقنینی و فروتقنینی به‌صراحت و به طور تضمنی، لزوم استقلال قضایی سازمانی و استقلال فردی قضات را مورد توجه قرار داده‌اند که ماده ۵، ۷، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۳ نظامنامه راجع به انواع تقصیرات انتظامی قضات (۱۳۰۴)، ماده ۵ قانون استخدام قضات (۱۳۰۶)، ماده ۳۵ و ۵۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری (۱۳۳۳) و قانون رسیدگی به صلاحیت قضات (۱۳۷۶) از آن جمله‌اند.

### ۲-۳. اهداف استقلال قضایی

استقلال قضایی در مرحله نخست در پی اعمال اصل تفکیک قوا و شناساندن قوه قضاییه به‌عنوان یک قوه مستقل و هم‌تراز با قوه مجریه و مقننه است که با آن‌ها در اعمال حاکمیت شریک و متصدی تأمین عدالت و نظارت بر اجرای قانون و دارای اختیار اداره امور اجرایی درون‌سازمانی خود بدون مداخله ناروا از ناحیه سایر قوا است. [۱۶] بنابراین، اولین هدف استقلال قضایی، خارج کردن امر قضا از سیطره فرمانروایان است که در گذشته از آن به منزله ابزاری برای مواجهه با معارضان بهره‌برداری می‌کردند. [۱۷] تضمین حاکمیت قانون، دادرسی عادلانه، حفاظت از حقوق شهروندان و تأمین آزادی‌های مشروع آنان، تحقق امنیت اجتماعی [۱۸] و صیانت از جامعه آزاد، از دیگر اهداف اصل مزبور است که از طریق استقلال فردی قضات قابل تحقق است. [۹] در اصل اول از اصول بنگلور استقلال قضایی به‌عنوان اولین



ارزش نام برده شده و هدف از آن، حاکمیت قانون و تضمین رسیدگی عادلانه دانسته شده است. استقلال قضایی به اعتباری، هدف و به اعتبار دیگر، وسیله رسیدن به اهداف دیگر است؛ اما در هیچ حالتی هدف، بهره‌برداری از آن به‌عنوان محافظی برای قوه قضاییه در برابر نظارت عمومی نیست؛ بلکه تضمین حقوق و آزادی‌های مردم غایت به‌کارگیری آن است. استقلال قضایی به معنای عدم‌پاسخگویی [۱۹] و عدم‌پیش‌بینی سازوکار مناسب نظارت بر عملکرد قوه قضاییه نیست. تلقی عدم‌پاسخگویی، موجب نقض غرض و حرکت بر خلاف جهت اهداف تعیین شده و در نتیجه، امری غیرعقلایی است. استقلال قضایی ابزاری برای دستیابی به غایت معین است؛ اما پاسخگویی مدیران قوه قضاییه خود یک غایت است. پاسخگویی تمام قوای حکومتی به مردم، غایت حکومت‌های مردمی از نوع جمهوری است. استقلال قضایی توأم با وظیفه پاسخگویی است و بین آن‌ها باید تعادل برقرار گردد تا از استفاده ناصحیح از استقلال قضایی جلوگیری و از تبدیل آن به ابزاری برای پوشاندن نارسایی‌های سیستم قضایی جلوگیری شود. قوه قضاییه هرچه مقتدرتر، باید پاسخگوتر و برخوردار از کیفیت کار بالاتر باشد. قضات برای تصمیم‌گیری عادلانه و توجیه چگونگی صدور احکام، مسؤول و پاسخگو هستند. مسأله مهم، چگونگی اعمال نظارت و نحوه پاسخگویی است که نباید موجب خدشه به استقلال قضایی گردد. به همین دلیل، نحوه پاسخگویی دستگاه قضایی، متفاوت از شیوه پاسخگویی قوای دیگر است و باید از طریق شفافیت در عملکرد، تضمین شود و استمرار یابد. این شفافیت باید در انتخاب و انتصاب قضات، نظارت بر عملکرد آنان، روش ارجاع پرونده و فرایند دادرسی ظهور یابد. شفافیت و در دسترس بودن این فرایندها برای شهروندان، پاسخگو بودن را محقق می‌سازد. [۱۲]

#### ۴. شرایط تحقق استقلال قضایی و عوامل مؤثر بر آن

لازمه تحقق استقلال قضایی، شرایط متعددی است که برخی ایجابی و برخی سلبی هستند. در زیر این شرایط به تفکیک بررسی خواهند شد.

##### ۴-۱. شرایط ایجابی استقلال قضایی

استقلال قضایی عبارتی کوتاه، ولی مقوله‌ای پیچیده و برخوردار از دامنه‌ای گسترده، و دارای مرزهای مشترک با بحث بیطرفی و با ظرافت‌های بسیار است. به همین دلیل، تحقق آن



نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و بسترسازی مناسب است.

#### ۱-۱-۴. شرایط استقلال سازمانی

تحقق استقلال سازمانی، منوط به تأمین شرایط زیر است:

##### ۱-۱-۴-۱. تضمین یکپارچگی قوه قضاییه

تأکید قانون اساسی ایران در اصل ۵۷، ۶۱ و ۱۵۶ بر استقلال قوه قضاییه و تصریح به لزوم «تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضاییه» در سیاست‌های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱، بسیار مهم و ضروری است، لکن این امر به‌تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه یکپارچگی قوه قضاییه باید در عمل تأمین شود. این شرط از طریق ممنوعیت ایجاد هرگونه دادگاه اختصاصی یا موقتی خارج از ساختار قوه قضاییه برای محاکمه اشخاص معین و یا برای رسیدگی نسبت به موضوعات خاص محقق می‌شود. به عبارت دیگر باید حاکمیت قوه قضاییه بر همه موضوعاتی که به وظایف آن مرتبط هستند توسعه یابد و خارج کردن رسیدگی به هر گونه دعوی از حوزه آن، ولو به حکم قانون، ممنوع گردد و در هیچ صورتی مشارکت نهادی خارج از این قوه در امور قضایی مجاز شمرده نشود. این الزام که مستظهر به اصول یادشده و اصل ۳۶ ق.ا. است با ایجاد مراجع اختصاصی خارج از قوه قضاییه و گسترش صلاحیت دادگاه‌های نظام منتفی می‌گردد. شرط یکپارچگی، علاوه بر اینکه یکی از شرایط اساسی تحقق استقلال قضایی است، موجب تأمین حق محاکمه در دادگاه عادی که در اصل پنجم از اصول اساسی استقلال قضایی مورد تأکید قرار گرفته است، می‌گردد.

##### ۱-۱-۴-۲. تعریف فرایند چند مرحله‌ای برای قطعیت احکام قضایی

از شرایط عملی شدن استقلال سازمانی، تعریف یک فرایند قانونی تجدیدنظر درچارچوب قوه قضاییه است که امکان شکایت از آرای قضایی را برای اشخاص ذینفع فراهم سازد. این موضوع در صورتی می‌تواند در تأمین استقلال سازمانی مؤثر واقع شود که در انحصار قوه قضاییه باشد و نهادهای بیرون از قوه قضاییه نتوانند در آن مداخله و اعمال نظر کنند. وجود فرایند چند مرحله‌ای برای قطعیت یافتن احکام، از جهات دیگر نیز استقلال قضایی را استحکام

می‌بخشد؛ زیرا از صدور احکام غیرعادلانه جلوگیری می‌کند و مانع تعقیب قضات به بهانه صدور حکم اشتباه می‌گردد و در نتیجه از اعمال فشار بر قضات جلوگیری می‌کند. قاضی نباید به خاطر اتخاذ تصمیم در پرونده‌ای، هرچند غیر عادلانه و اشتباه، تحت تعقیب قرارگیرد، بلکه یگانه راه حل اصلاح آرای اشتباه، استفاده از ابزار تجدیدنظر است. همچنین امکان تجدیدنظر در احکام، اعتماد عمومی به قوه قضاییه را افزایش می‌دهد و موجب تقویت استقلال آن می‌شود. از کارکردهای مهم فرایند تجدیدنظر، تأمین و تضمین استقلال قضایی است. این فرایند در مقررات مربوط به تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب پیش‌بینی شده است، لکن دارای اشکالاتی است که بررسی جزئیات آن مستلزم تحقیق مستقلی است.

#### ۴-۱-۳. استقلال درون‌سازمانی دادگاه

قضات در رسیدگی به پرونده‌ها باید فقط تابع قانون باشند و در این راستا علاوه بر استقلال از سایر قوا، باید در مقابل مراجع فرودستی و فرادستی درون قوه نیز از استقلال کامل برخوردار باشند. وجود فرایند چندمرحله‌ای برای رسیدگی قضایی به پرونده‌ها نباید وضعیتی را پیش‌آورد که قضات دادگاه‌های عالی بتوانند در کار قضات دادگاه‌های تالی دخالت کنند. استقلال قضایی فقط استقلال از مداخلات بیرونی نیست، بلکه استقلال یک قاضی از قاضی دیگر را نیز در بر می‌گیرد. هیچ قاضی حق ندارد به قاضی دیگر بگوید که در رسیدگی به پرونده‌هایی که به او ارجاع شده چگونه عمل کند و چه تصمیمی بگیرد. دادگاه‌های بالاتر نباید از موقعیت خود برای اعمال فشارهای شبه‌انتظامی بر دادگاه‌های پایین‌تر استفاده کنند. البته منظور نادیده‌گرفتن اصول رویه قضایی و فرایند تجدیدنظر نیست. [۷] با توجه به ویژگی‌ها و ظرافت‌های موجود در این بستر، تأمین این بُعد از استقلال که اهمیت بسیاری دارد، بدون وجود قوانین دقیق و صریح امکان‌پذیر نخواهد بود.

#### ۴-۱-۲. شرایط استقلال فردی قضات

تحقق این جنبه از استقلال، نیازمند تأمین شرایطی به شرح زیر است:

#### ۴-۲-۱. امنیت شغلی

عامل مهمی که با استقلال فردی ارتباط چشمگیر دارد، امنیت شغلی قضات است. البته استقلال، کیفیتی است که باید از درون سینه قاضی برخیزد. قضات فراوانی بوده و هستند که به رغم عدم

برخورداری از امنیت شغلی، مستقل و بی‌پاک عمل کرده‌اند. با وجود این، قضات نیز انسانند و مانند سایر انسان‌ها ممکن است اشتباهاتی را مرتکب شوند و استقلال آن‌ها به‌ویژه در مواردی که یک طرف دعوا نهادها و مقامات حکومتی و یا اشخاص با نفوذ دیگر است، تحت تأثیر ترس از دست دادن شغل قرار گیرد. بنابراین، تأمین امنیت شغلی قضات و مصونیت آنان از عزل و انتقال در طول دوران تصدی ضروری است. این دوران باید در برابر اقدامات قوای مجریه و مقننه و حتی مقامات قوه قضاییه به وسیله قانون تضمین شود. با در نظر گرفتن همین جهات و دلایل، اصل ۱۱ و ۱۲ مجموعه اصول اساسی استقلال قضایی و قوانین اساسی بسیاری از کشورها برای امنیت شغلی قضات مقرراتی را پیش‌بینی کرده‌اند. بند ۳ اصل ۱۵۸ و اصل ۱۶۴ قانون اساسی ایران نیز به این موضوع مهم پرداخته‌اند. به موجب بند ۳ اصل مزبور: «استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این‌ها از امور اداری، طبق قانون» از وظایف رئیس قوه قضاییه است. این مقرره، انجام این امور را به طور مطلق در اختیار رئیس قوه قرار نداده است؛ بلکه ایشان در چارچوب قانون می‌تواند اقدام کند. حتی چنین شرطی نمی‌تواند مصونیت قاضی را در دوران تصدی تأمین کند؛ زیرا گذشته از قابل بحث بودن برخی نکات موجود در قوانین عادی، اصل ۱۶۴ ق.ا. به رئیس قوه قضاییه اختیار می‌دهد که قضات را به اقتضای «مصلحت جامعه» عزل، جابه‌جا و منتقل کند؛ بدون این‌که تعریفی از مصلحت ارائه دهد و نحوه تشخیص آن را معین و یا این کار را به قانون احاله دهد. تشخیص مصلحت که یک مفهوم مبهم با قابلیت تفسیر گسترده و حمل بر مصادیق فراوان است به رئیس قوه قضاییه واگذار شده و تنها احتیاطی که صورت گرفته موقوف کردن اتخاذ تصمیم رئیس قوه به مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل است، بدون این‌که الزامی در پذیرش نظر مشورتی آنان وجود داشته باشد. بدین ترتیب این مقرره، امنیت شغلی قضات را به شدت متزلزل ساخته و استقلال آنان را تحت تأثیر قرار داده است. تأمین امنیت شغلی، شامل عدم امکان ممانعت از استمرار رسیدگی به پرونده‌های مفتوح نزد یک قاضی نیز می‌شود. تصمیم‌گیری درخصوص صلاحیت رسیدگی باید منحصرً توسط قاضی رسیدگی‌کننده انجام شود و مداخله هر شخص دیگری در این موضوع، تعدی به استقلال قضایی محسوب می‌شود. منع قاضی از ادامه رسیدگی به پرونده‌ای خاص و ارجاع آن به قاضی دیگر، تجاوز به استقلال هر دو قاضی است. [۲۰] عدم امکان مداخله در فرایند تصمیم‌گیری و عدم امکان منع قاضی از اتخاذ تصمیم در



پرونده‌های تحت اقدام، استقلال قضایی را به شکل مطلوب تأمین می‌کند. در اصول بنگلور در این مورد چنین آمده است: «قاضی باید اعمال قضایی را به گونه‌ای مستقل و بر مبنای ارزیابی خود از حقایق و مطابق با درک وجدانی خود از قانون انجام دهد و از تاثیرات، فشارها، تهدیدات یا مداخلات مستقیم یا غیرمستقیم بیرونی ... آزاد باشد ... قاضی باید در انجام وظایف قضایی خویش ... مستقلاً و بدون‌الاحکام همکاران قضایی اتخاذ تصمیم کند». هرچند در ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک. (۱۳۷۸) به این موضوع اشاره شده، ولی تأمین‌کننده مقصود نیست و در این زمینه نیاز به مقررات دقیق‌تر همراه با ضمانت‌اجراهای لازم احساس می‌شود.

#### ۴-۲-۱-۲. مصونیت قضایی

از مهم‌ترین شرایط تحقق استقلال فردی، احساس امنیت قضایی از جهت عدم امکان تعقیب او به دلیل صدور حکم درخصوص پرونده‌های ارجاعی است. قاضی را نباید برای اتخاذ تصمیمی که خوشایند کسی نبوده بازخواست کرد. تصمیم اشتباه نمی‌تواند دلیل تعقیب باشد؛ زیرا تجدیدنظر، روشی برای تصحیح احکام اشتباه است. [۴] اصل ۱۶ مجموعه اصول اساسی استقلال قضایی به این موضوع اختصاص دارد. پیش‌بینی مصونیت قضایی و تعریف فرایندی ویژه برای امکان تحت تعقیب قرار دادن قضات در قوانین کشورهای مختلف، برای تأمین این شرط و تضمین استقلال قضایی صورت می‌گیرد. در حقوق ایران نیز دو گونه مقررات در این ارتباط وجود دارد. یک دسته مربوط به مواردی است که صلاحیت قضایی توسط یکی از مقامات قوه قضاییه مصرح در ماده ۲ قانون رسیدگی به صلاحیت قضات (۱۳۷۶) مورد تردید قرار گیرد. در این صورت، موضوع به کمیسیون کارشناسی ماده ۳ قانون ارجاع می‌شود و کمیسیون رسیدگی و سپس نتیجه را به محکمه عالی انتظامی اعلام می‌کند تا نسبت به وجود یا فقدان صلاحیت قضایی اعلام نظر و در صورت عدم صلاحیت، تعیین مجازات انتظامی کرده، پرونده را در صورت مجرمانه بودن عمل ارتكابی به مرجع قضایی صالح ارسال کند. این روش دارای دو ایراد عمده انتصابی بودن قضات محکمه عالی و قطعی بودن احکام آن است که قانون را به تهدیدی برای اصل استقلال تبدیل کرده است. دسته دوم مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم ارتكابی قضات و شکایت از آنان است که برابر ماده سوم قانون راجع به محاکمه انتظامی (۱۳۰۷) و ماده ۳۶، ۳۷ و ۴۲ لایحه اصلاح

قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری (۱۳۳۳) باید ابتدا توسط دادسرا و دادگاه انتظامی قضات به آن رسیدگی شود و در صورت صدور حکم تعلیق قاضی از سوی دادگاه انتظامی، اتهام وی در مرجع صالح قضایی قابل رسیدگی خواهد بود.

#### ۳-۲-۱-۴. گزینش صحیح و ضابطه‌مند

چگونگی گزینش، اثر مستقیم بر کیفیت کار قضات دارد. هرچه گزینش صحیح‌تر، ضوابط آن دقیق‌تر و به دور از ملاحظات صورت گیرد، قضات شایسته‌تری انتخاب و به کار گرفته می‌شوند. قضات پاک و شجاعی که فقط به خاطر برخورداری از شایستگی منصوب شده باشند، خود را مدیون کسی ندانسته، از استقلال رأی بیش‌تری برخوردار خواهند بود. اصل دهم از اصول اساسی استقلال قضایی، گزینش قضات درستکار، شایسته و با قابلیت‌های کافی حقوقی را مورد تأکید قرار داده و به لزوم پیش‌بینی تضمین‌هایی در مقابل انتصاب‌های نامناسب تصریح کرده است. بند ۳ اصل ۱۵۸ قانون اساسی ایران، استخدام قضات را در اختیار رئیس قوه قضاییه قرار داده و وجود دو صفت عدالت و شایستگی را در قضات استخدامی لازم دانسته است. قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری (۱۳۶۱) نیز مقرراتی هرچند ناکافی در این زمینه پیش‌بینی کرده است. از بهترین شیوه‌های تأمین‌کننده مقصود، انتخاب قضات از طریق امتحانات رقابتی است که باید مطابق با معیارهای روشن و عینی مبنی بر مهارت و شایستگی فنی مناسب انجام شود. [۲۱]

#### ۴-۲-۱-۴. وجود ضوابط عینی برای پیشرفت و ارتقا

ارتقای قضات، مقوله‌ای است که اگر با دقت به آن نگریسته نشود و از استانداردهای عینی مشخص و منطقی برخوردار نباشد، اعمال فشار بر قضات را امکان‌پذیر و استقلال آنان را دچار آسیب جدی می‌کند. برای پیشگیری از چنین آسیبی، ارتقا باید از ضوابط عینی خاص مبتنی بر شایستگی و کیفیت کار تبعیت کند. این مقررات باید به گونه‌ای تنظیم شوند که مداخله قوای دیگر در این موضوع غیر ممکن گردد و در درون قوه قضاییه نیز یک نفر به‌تنهایی تصمیم‌گیر و تعیین‌کننده نباشد تا امکان اعمال ملاحظات سیاسی و نظرهای شخصی در ارتقای قضات، منتفی شود یا کاهش یابد. اصل سیزدهم از اصول اساسی استقلال قضایی



به این مطلب اختصاص دارد. قانونگذار ایران، نحوه اقدام درخصوص این موضوع را در بند ۳ اصل ۱۵۸ و مقررات مربوط به استخدام قضات و شرایط کارآموزی (اصلاحی ۱۳۴۷)، قانون اصول تشکیلات دادگستری (۱۳۳۳)، آیین‌نامه تعیین گروه‌های شغلی و ضوابط مربوط به تغییر مقام و ارتقای گروه قضات (اصلاحی ۱۳۸۹) و برخی مصوبات دیگر مشخص کرده است. این مقررات از حیث نحوه و کیفیت تدوین و مرجع وضع و تصویب قابل نقد و بررسی تفصیلی جداگانه است. آنچه به اجمال می‌توان گفت این است که به دلیل اختیار کلی که در اصل ۱۵۸ ق.ا. به رئیس قوه قضاییه داده شده و نحوه تدوین مقررات اجرایی آن، به‌ویژه آیین‌نامه اخیر الذکر، امکان اقدام فراتر از ضوابط تعریف شده وجود دارد.

#### ۴-۱-۲-۵. ممنوعیت فعالیت سیاسی

قاضی باید از تمایل و یا پیوستن به احزاب سیاسی و یا انجام هرگونه فعالیت سیاسی دیگر از جمله پذیرش منصب سیاسی در سازمان‌های حکومتی بپرهیزد، زیرا این موضوع به معنای خضوع و گرایش او به سوی گروه‌های سیاسی یا سایر قوا و خروج از بیطرفی و عدم استقلال در تصمیم‌گیری است. دخالت دادن ملاحظات سیاسی در تصمیم‌گیری قضایی و سیاسی کردن امر قضا از بدیهی‌ترین خطاهای مغایر با قانون و اصول اخلاقی و از بین برنده استقلال قضایی است. البته این ممنوعیت به معنای محرومیت قضات از آزادی بیان و آزادی شرکت در اجتماعات نیست؛ زیرا طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، قضات همانند دیگر شهروندان از آزادی بیان و تشکیل مجامع و اجتماع با دیگران برخوردارند. با وجود این، آن‌ها باید همواره در اِعمال این حق، چنان رفتارکنند که شأن قضا و استقلال قضایی محفوظ بماند (اصل هشتم از اصول اساسی استقلال قضایی). ماده ۵ قانون استخدام قضات و صاحب‌منصبان پارک (۱۳۰۶) و ماده ۵۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات (۱۳۳۳)، فعالیت سیاسی قضات و اعمال نظر سیاسی در تصمیم‌گیری قضایی را ممنوع و آن را موجب انفصال از خدمت قضایی دانسته است که البته تدوین مقررات جامع و مطابق با شرایط روز در این زمینه ضروری است.

#### ۴-۲-۶. تبعیت از قانون

قانون‌مداری از مهم‌ترین منزلت‌های بنیادین حقوقی در تمامی حوزه‌ها به‌ویژه حقوق کیفری است که از برجسته‌ترین تجلی‌های آن اصل قانونی بودن دادرسی است. [۲۲، ص ۹] قضات فقط باید مطیع قانون باشند [۲۱] و در این راستا بی‌توجهی به ناخشنودی و خرده‌گیری اشخاص ناراضی با هر پست و مقام از امور ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. از شرایط اساسی تحقق استقلال این است که قضات در قضاوت خود به غیر از قانون، تابع هیچ کس و هیچ چیز نباشند و فقط براساس واقعیت موجود در پرونده و مطابق با قانون، اتخاذ تصمیم کنند. به‌ویژه در اختلافات شهروندان با حکومت اگر این نکته رعایت نشود، اعتماد عمومی به استقلال دستگاه قضایی به‌شدت کاهش می‌یابد. این قاعده از محکم‌ترین تضمین‌های استقلال قضایی است که اثربخشی آن منوط به پای‌بندی تمام دست‌اندرکاران امر قضا و مقامات قوه قضاییه به آن است. عدم توجه به این قاعده، به‌ویژه از ناحیه مقامات عالی قوه قضاییه، به استقلال قضایی آسیب جدی وارد می‌کند و در مواردی استقلال قضایی را بی‌معنا می‌سازد و علاوه بر آن، فرهنگ عدم پای‌بندی به قانون را در قوه‌ای که باید نماد قانون‌مداری باشد ترویج می‌کند که آثار زیانبار آن دامنگیر تمام نظام سیاسی می‌گردد. اصل ۲ اصول اساسی استقلال قضایی، به‌صراحت این موضوع را مورد تأکید قرار داده است. در قوانین ایران به‌ویژه در اصل ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۱۵۹ و ۱۶۱ ق.ا. و مواد مختلف قانون آیین دادرسی کیفری به لزوم تبعیت قضات از قانون در رسیدگی به پرونده‌ها تأکید شده است و یکی از وظایف اصلی دیوان عالی کشور، نظارت بر همین موضوع است. از نکات مهم و مرتبط با این بحث، نحوه ارجاع پرونده‌ها به قضات است. به منظور تضمین بیطرفی و اطمینان از عمل براساس قانون، ارجاع پرونده به قضات باید برابر یک قاعده کلی از قبل پیش‌بینی شده صورت گیرد و باید هر دستور یا مقرره‌ای که برای شخص یا سازمان معینی، ارجاع برخی پرونده‌ها را به قضات مشخص مجاز کرده از اعتبار ساقط گردد. اصل ۱۴ مجموعه اصول مزبور، به این موضوع اشاره کرده است.

#### ۴-۲-۷. شایستگی، اعتماد به نفس و کفایت

دادگاه‌های مستقل، نیازمند قضات شایسته و باکفایتی است که انتخاب آنان براساس شایستگی علمی و شخصیتی باشد. معیار تعیین شایستگی افراد باید روشن و عینی باشد. داشتن معلومات و

تجربه حقوقی، توانمندی هوشی و قدرت تشخیص می‌تواند از جمله این معیارها باشد. چون تخصصی بودن حرفه قضا از لوازم اصلی تحقق استقلال قضایی است، بهره‌مورد انتظار از استقلال، زمانی قابل حاصل می‌شود که قضات دارای اهلیت علمی باشند. بقای این شایستگی، مشروط به استمرار دسترسی قضات به آموزش حقوقی است. [۱۶] به دلیل نقش انکارناپذیر دانش قاضی بر استقلال رأی او، تدوین‌کنندگان اصول بنگلور در بند ۶-۳ اصل مربوط به ارزش ششم به این موضوع تأکید کرده‌اند. این موضوع در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش امنیت قضایی (۱۳۷۹) و بند ۱۰ سیاست‌های کلی قضایی (۱۳۸۱) مورد تأکید قرار گرفته و در مقررات مربوط به ترفیع قضات از جمله ماده ۷ آیین‌نامه نظارت و ارزیابی دادستانی انتظامی قضات و دستورالعمل اجرایی آموزش ضمن خدمت قضات نیز به آن توجه شده است. بیان این نکته لازم است که قضاوت مؤثر، به شایستگی علمی و مهارت قضات احتیاج دارد، لکن این کافی نیست؛ زیرا اعمال صحیح قدرت قضایی در یک قضاوت مستقل نیازمند شجاعت اخلاقی یا شجاعت اجرای حق است. [۹] قاضی زمانی می‌تواند مستقل عمل کند و در هر شرایطی به حق حکم کند که از اعتماد به نفس برخوردار و از هرگونه ترسی آزاد باشد، خواه ترس از قوای حکومتی و خواه هراس از گروه یا فردی خاص. از این رو برای پیشگیری از مواجه شدن قضات با موقعیت‌های هراس‌انگیز و به منظور تقویت اعتماد به نفس و شجاعت در تصمیم‌گیری صحیح در صورت مواجه شدن با چنین موقعیت‌هایی، پیش‌بینی حمایت‌های قانونی مناسب از آنان در برابر هرگونه تهدید به انتقام، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از اساسی‌ترین حمایت‌های قابل اعمال در این ارتباط، تضمین عدم امکان عزل و جابه‌جایی قضات و غیر قابل کاهش بودن حقوق آنان در تمام مدت تصدی - جز در صورت ارتکاب جرائم مهم - است. تضمین‌های پیش‌بینی شده در قوانین اساسی و عادی برخی کشورها به گونه‌ای است که عالی‌ترین مقامات کشور نیز نمی‌توانند با تهدید به برکناری یا کاهش حقوق بر نتیجه رسیدگی‌ها تأثیری داشته باشند. [۲۳] در نظام حقوقی ایران، در اصل ۱۶۴ ق.ا. پیش‌بینی‌هایی در این زمینه صورت گرفته، اما در عمل کارایی خود را از دست داده است.

#### ۴-۲. شرایط تضمین و تقویت استقلال قضایی

به فرض فراهم شدن شرایط تحقق استقلال، دوام و استحکام آن به شرایط زیر بستگی دارد:



#### ۴-۲-۱. به یاد داشتن مسئولیت عظیم قضا در برابر خدا و مردم

خشیت از خداوند و خود را همواره در محضر باری تعالی دیدن، مهم‌ترین و قوی‌ترین ضامن استقلال قضایی است. محافظ و سپر بازدارنده اصلی از تعرض به اصل استقلال قضایی، عفاف و پاکدامنی قاضی است که از پرهیزگاری و ترس از خدا سرچشمه می‌گیرد و مانع انحراف او از حق می‌شود. قاضی به امید جلب رضایت الهی و تحصیل پاداش اخروی، حتی اگر علیه شخص صاحب‌مقام و قدرتی باشد، به عدالت حکم می‌کند و از هیچ تهدید و سرزنشی نمی‌هراسد.

#### ۴-۲-۲. حفظ عزت، حرمت و شأن قضاوت

از عوامل اثرگذار در استقلال قضایی، حفظ عزت و حرمت اجتماعی جایگاه قضات است که تحقق آن به رفتار صحیح ایشان بستگی دارد. این امر مورد توجه تنظیم‌کنندگان اصول بنگلور در ارزش چهارم از اصول مزبور واقع شده و موارد کاربرد آن را به تفصیل بیان کرده‌اند. به موجب این اصل: «۱-۴) قاضی باید از رفتار ناصحیح و بروز دادن آن در فعالیت‌هایش بپرهیزد؛ ۲-۴) قاضی به‌عنوان فردی که همواره زیر ذره‌بین افکار عمومی است، باید محدودیت‌های شخصی را که از دیدگاه یک شهروند معمولی طاقت‌فرسا به نظر می‌رسد، با طیب‌خاطر پذیرا باشد و به‌ویژه باید به گونه‌ای رفتار کند که مطابق با شئون‌ات دستگاه قضایی باشد؛ ۳-۴) قاضی باید در ارتباطات شخصی خود با افرادی که در دادگاه به ایفای مشاغل قضایی مشغولند، از ایجاد وضعیت‌هایی که به‌طور متعارف موجب ایجاد بدگمانی یا بروز حالت تبعیض یا جانبداری می‌شود، بپرهیزد؛ ... ۹-۴) یک قاضی نباید از اعتبار دستگاه قضایی برای تحصیل منافع شخصی برای خود، اعضای خانواده یا هر شخص دیگری بهره بگیرد و نیز نباید این تصور را ایجاد کند یا به سایرین اجازه ایجاد این تصور را بدهد که کسی نزد وی چنان جایگاهی دارد که قادر است در اجرای وظایف قضایی به‌طور ناروا بر وی تأثیر گذارد؛ ... ۱۴-۴) قاضی و اعضای خانواده او نباید در رابطه با اموری که در راستای ایفای وظایف قضایی خود انجام داده یا باید انجام دهد یا باید از انجام آن خودداری کند، تقاضای هدیه، دریافت مال از طریق وصیت، وام یا امتیازی کند یا آن را بپذیرد؛ ۱۵-۴) قاضی نباید عالماً به کارمندان دادگاه یا کسانی که تحت نفوذ، سرپرستی یا اختیار وی قرار دارند اجازه دهد که در رابطه با اموری که در راستای ایفای وظایف یا اعمال قضایی خود انجام داده یا باید انجام دهند، یا باید از انجام آن خودداری کنند، تقاضای هر نوع



هدیه، مال از طریق وصیت، وام یا امتیازی بکنند یا آن را بپذیرند...» بند ۳ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص سیاست‌های کلی نظام برای حفظ شأن و استقلال قضات، همین موضوع را مورد تأکید قرار داده و آن را به‌عنوان یکی از شرایط تأمین استقلال قضایی دانسته است. نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آن‌ها در چند ماده به این موضوع توجه و برای تخلف از آن ضمانت اجرا تعیین کرده است.

#### ۳-۲-۴. فرهنگ سازی و فهم عامه

پیش‌بینی موضوع استقلال قضایی در قوانین کافی نیست. برای رسیدن به هدف، مردم باید درک وسیعی از موضوع داشته باشند. شهروندان باید از چرایی استقلال قضات از دولت، کاملاً آگاه باشند. [۲۴] ایجاد این آگاهی، ضمن تقویت نظارت همگانی بر عملکرد نظام قضایی، موجب اهتمام عمومی در دستیابی و تحقق اهداف قوه قضاییه مستقل است که در حقیقت به کل جامعه و نظام تعلق دارد. در جامعه ایران، نیاز به فرهنگ‌سازی جهت فهم عامه از مفهوم استقلال قضایی بیشتر احساس می‌شود. در بند ۱۶ سیاست‌های کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱ «گسترش دادن فرهنگ حقوقی و قضایی در جامعه» مورد تأکید قرار گرفته است که در صورت عملی شدن، به تحقق شرط مورد بحث کمک بسیاری خواهد کرد.

#### ۴-۲-۴. تأمین بودجه و منابع مالی مناسب

تأمین شرایط مناسب کار و امکانات مورد نیاز دستگاه قضا، علاوه بر کمک به اقتدار این دستگاه، در تقویت استقلال قضایی نیز تأثیر بسزایی دارد. قوه قضاییه مستقل باید منابع مالی مناسب داشته باشد. این منابع، اعم از بودجه کافی برای امور جاری و پرداخت حقوق کارکنان قضایی و غیرقضایی، تأمین فضای مناسب و تجهیزات اداری است. میان استقلال قضایی و داشتن منابع مالی مناسب، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. اگر تأمین بودجه قوه و به‌ویژه حقوق قضات، به صلاحدید مقامات حکومتی وابسته و همواره در معرض تغییر و کاهش باشد، قضات فاقد استقلال لازم خواهند بود. [۱۶] اصل هفتم مجموعه اصول استقلال قضایی نیز کشورهای عضو را موظف به تأمین منابع مالی لازم برای دستگاه قضایی کرده است. در ایران، از آن‌جا که اصل ۱۲۶ ق.ا. مسؤولیت امور برنامه و بودجه کشور را به رئیس

جمهور محول کرده، رئیس قوه قضاییه موظف شده پیشنهاد بودجه سالیانه قوه را به هیأت وزیران تقدیم کند (بند «ج» ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه). این مقرر به دلیل مسلط کردن قوه مجریه بر سرنوشت بودجه سیستم قضایی کشور و فراهم ساختن بستر مداخله و اعمال نفوذ برای قوه مزبور، محل اشکال و ایراد است.

#### ۴-۲-۵. پاسخگو بودن نظام قضایی

قابل محاسبه بودن، موجب پاکی اعمال و اعتماد عمومی است. هرچند در یک نگاه سطحی، پاسخگویی مغایر با استقلال قضایی به نظر می‌رسد، لکن اگر با لحاظ محدودیت‌های مربوط به استقلال، کارشناسانه تعریف و بدون غرض‌ورزی اعمال شود، بین پاسخگویی و استقلال نه تنها هیچ مغایرتی وجود ندارد، بلکه پاسخگویی، موجب تلاش بیشتر در اجرای عدالت و در نتیجه، تضمین بهتر استقلال قضایی می‌گردد. [۲۵] مهم‌ترین محدودیت ناشی از اصل استقلال، مصونیت قضات از پاسخگویی راجع به وظایف قانونی آنان است. به موجب این مصونیت، اجبار قضات به پاسخگویی در این خصوص به وسیله مقامات حکومتی و سایرین امکان‌پذیر نیست. [۱۶] در اصل ۱۵ از اصول استقلال قضایی تصریح شده که قضات در مورد رأیی که صادر می‌کنند و اطلاعات محرمانه‌ای که در جریان انجام وظیفه در خارج از جلسه‌های علنی به دست می‌آورند، ملزم به پاسخگویی نیستند. با لحاظ محدودیت‌ها، تصویب مقرراتی جامع، دقیق و شفاف در خصوص ضوابط اخلاقی قضات، فرایند شکایت از عمل قضایی، شرایط عینی و مشخص تنبیه قضات، دسترسی رسانه‌های جمعی و مردم به دادرسی‌ها و دیگر اقدامات مراجع قضایی، و حفظ و نگهداری سوابق محاکمات در جهت فراهم کردن بستر پاسخگویی مناسب، از ضروریات اجتناب‌ناپذیر است. در ایران در ارتباط با برخی از این مقوله‌ها نظیر فرایند شکایت از عمل قضایی (مواد ۲۳۲ تا ۲۷۱ ق.آ.د.ک. و ۳۲۶ تا ۳۶۵ ق.آ.د.م.)، حفظ سوابق و دسترسی رسانه‌ها و مردم به دادرسی‌ها هرچند نه به شکل کامل (ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک.)، اقداماتی صورت گرفته است.

#### ۴-۲-۶. ایجاد شورای عالی قضایی

تأمین استقلال قضایی، موضوعی پیچیده، دارای ابعاد گوناگون و مستلزم برنامه‌ریزی علمی جامع است. لذا اقتضا دارد اداره این دستگاه عظیم و مهم از سیطره و اقتدار انحصاری یک



مقام خاص خارج شود. برای این منظور در قوانین کشورهای مختلف، علاوه بر پست ریاست قوه که وظیفه مدیریت قوه را عهده‌دار است، شورایی تحت عنوان شورای عالی قضایی پیش‌بینی شده که دارای وظایف قانونی مشخص در زمینه انتصاب، انتقال، تغییر، ترفیع و تعیین میزان تنبیهات انتظامی قضات است. [۲۱] اعضای شورا با ترکیبی از اعضای انتخابی [۲۶] و انتصابی تعیین می‌شوند تا ضمن رعایت حقوق عامه، حقوق قضات هم تضمین گردد. در غیر این صورت، نمی‌توان تصور کرد قاضی منصوب بتواند به گونه‌ای مستقل و بدون لحاظ نظرها و یا دستورات مقام صاحب اختیار عزل و نصب و تنها با توسل به دانش خود بر مسند قضا تکیه بزند و حکم صادر کند. تا قبل از اصلاح قانون اساسی (۱۳۶۸)، شورای عالی قضایی با ترکیب خاصی وجود داشت، اما با اصلاح قانون اساسی، شورای مذکور حذف گردید. بعد از آن، اقداماتی نظیر تشکیل محکمه عالی انتظامی و تعریف فرایندهایی جهت ترفیع، تنبیه و عزل قضات در این راستا صورت گرفته است؛ لکن به دلیل جامع و مانع نبودن و انتصابی بودن اعضای محکمه، آنچه صورت گرفته تأمین‌کننده منظور و موجب وصول به هدف نیست و نیاز به اصلاح، تدقیق و تکمیل دارد.

#### ۴-۲-۷. تعیین ضمانت‌اجرا برای اخلال در استقلال قضایی

تضمین و تقویت استقلال قضایی ایجاب می‌کند که اخلال‌کنندگان در این اصل، اعم از مقامات قضایی باشد و غیر آنان را بتوان تعقیب و مجازات کرد. در قوانین ایران، مقررات پراکنده‌ای نظیر ماده ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۸۹، ۵۹۷ و ۶۰۵ ق.م.ا. وجود دارد که برخی از اعمال مخل استقلال قضایی را جرم‌انگاری کرده است؛ لکن مقررات مذکور کامل و دقیق نیست. برای تضمین استقلال قضایی، علاوه بر حمایت قانون اساسی و پشتیبانی مردمی، حمایت کیفری همه‌جانبه، امری لازم و ضروری است. [۲۷]

#### ۴-۲-۸. استقلال دادسرا از قوه قضاییه

امروزه تأمین امنیت شهروندان، احقاق حقوق عمومی، دفاع از نظم اجتماعی، تعقیب دعوی عمومی و نظارت بر اجرای صحیح قوانین در فرایند دادرسی از کارکردهای اصلی قوه مجریه محسوب می‌شود و دادسرا یکی از ابزارهای مهم انجام این وظیفه است. دادستان به‌عنوان

نماینده جامعه در دادگاه حضور می‌یابد (ماده ۵۰ قانون اصول تشکیلات) و به تعقیب دعوی عمومی می‌پردازد. قرار گرفتن داسرا در درون ساختار قوه قضاییه به معنای سپردن برخی از امور اجرایی به مقامات قضایی است و موجب محرومیت دولت از یکی از مهم‌ترین ابزارهای لازم جهت انجام وظیفه‌اش می‌شود. بنابراین به منظور حفظ حقوق عامه و نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دادگاه‌ها (ماده ۴۹ قانون اصول تشکیلات) و نیز برای تأمین بهتر حق دفاع متهم، رعایت بیطرفی قاضی و تضمین استقلال قاضی، استقلال داسرا از دادگاه به صواب نزدیک‌تر است، زیرا قرار گرفتن دادستان و قضات داسرا با قضات دادگاه در یک مجموعه سازمانی واحد، به معنای یکی شدن مدعی و قاضی از نظر شخصیت حقوقی است و موجب ایجاد همدلی و روابط نزدیک بین آنان می‌گردد. چنین وضعیتی، در فرایند رسیدگی به پرونده‌ها بر استقلال قضات آثار منفی بر جای می‌گذارد. [۲۷] جدایی این دو مجموعه، علاوه بر رفع این اشکال و تأمین اهداف مزبور، موجب شفافیت بیش‌تر در عملکرد قوه قضاییه و کمک به فرایند پاسخگویی این قوه می‌شود. اصل ۱۱ از اصول راهنما برای انجام وظیفه قضات داسرا، برای پیش‌گیری از بزه و رفتار با بزه‌کاران (۱۹۹۰)، دادستان‌ها را نماینده منافع عمومی و ناظر بر قانونی بودن تحقیقات دادگاه‌ها معرفی کرده و در اصل ۱۰ مقرر می‌دارد: «کار دادستان‌ها بکلی از وظایف قضایی مجزا است». در مقررات اغلب کشورهای به‌ویژه کشورهای دارای سیستم حقوقی پیشرفته، این جدایی و انفکاک وجود دارد و دادستان یکی از کارگزاران دولت است. [۲۸، ص ۱۴-۱۲۷] لزوم انفکاک داسرا به معنای محرومیت قضات آن از مصونیت و تضمین‌های مقرر برای قضات دادگاه‌ها نیست، بلکه به دلیل نقش آنان در تحقق عدالت و لزوم حفظ بیطرفی آنان در بسیاری از مواضع باید حمایت‌های قانونی لازم از این قضات صورت گیرد و مزایای اصل استقلال قضایی به نوعی شامل آنان نیز بشود.

#### ۴-۲-۹. استقلال کانون وکلا

منظور از استقلال کانون وکلا، ایجاد و اداره آن جدا از سلسله‌مراتب اداری دستگاه‌های حکومتی و بدون هیچ نوع وابستگی به آن‌ها به منظور برخورداری از امنیت شغلی، جهت انجام وظیفه و دفاع قوی‌تر از حقوق موکلان به صورت مستقل و به دور از هرگونه شائبه دخالت از ناحیه قوای حاکم و ترس از آن‌ها است. وکلای مستقل می‌توانند نقش عمده‌ای در محافظت از حقوق بشر و

آزادی‌های بنیادین ایفا کنند. نقش وکلای مستقل در کنار نقش قضات مستقل جهت تضمین حاکمیت قانون و حفاظت مؤثر از حقوق شهروندان، اجتناب‌ناپذیر و حیاتی است. [۲۹، ص ۱۹۰] به همین دلیل، چنین استقلالی مهم‌ترین قوام‌دهنده قانون به حساب می‌آید و در این معنا هرچند مفهوم استقلال قانون وکلا با مفهوم استقلال قضایی متفاوت است، لکن جزئی غیر قابل تجزیه از استقلال قضایی است و تحقق اصل حاکمیت قانون و اقامه عدل، مستلزم استقلال در هر دو نهاد مذکور است. از بین رفتن استقلال قانون وکلا و فقدان وکلای مستقل، موجب خدشه در اصل حاکمیت قانون و فراهم شدن زمینه تضعیف و نادیده گرفتن استقلال قضایی می‌گردد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز بر این نکته تأکید کرده و لزوم کسب مجوز برای انجام وکالت قضایی از دولت را موجب نفی استقلال وکلا و تردید در استقلال قضایی دانسته است. [۲۹، ص ۲۳۰] وجود وکلای مستقل و مشارکت آن‌ها در دادرسی، با کمک به تحقق فرایند پاسخگویی قضایی و تسهیل نظارت همگانی شهروندان بر قوه قضاییه، دستگاه قضایی را به یک نظام قابل محاسبه تبدیل می‌کند. پاسخگویی و قابل محاسبه بودن، صحت و دقت در عمل را به دنبال می‌آورد و از صدور احکام، تحت تأثیر اعمال فشار و مداخله جلوگیری می‌کند و عوامل نابودی استقلال قضایی را برطرف می‌سازد. در ایران، تشکیل اولیه قانون وکلا به سال ۱۳۰۰ برمی‌گردد و پس از ۳۳ سال تلاش و پیگیری مستمر در سال ۱۳۳۳ استقلال قانون وکلا به موجب قانون لایحه استقلال قانون وکلا به رسمیت شناخته شد. لکن در سال ۱۳۷۹ با تصویب قانون برنامه سوم توسعه و با ایجاد سازمانی موازی در ساختار قوه قضاییه، استقلال وکلای مدافع در نظام حقوقی ما از بین رفت و بنا به دلایل پیش گفته، گامی دیگر در جهت تضعیف استقلال قضایی برداشته شد.

#### ۳-۴. شرایط سلبی استقلال قضایی

علاوه بر شرایط ایجابی استقلال قضایی، شرایط سلبی نیز باید شناسایی و برای آن‌ها چاره‌اندیشی شود. عوامل مذکور را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

#### ۳-۴-۱. عدم اشتغال قضات به شغل دوم

قضات در دوران تصدی امر قضا نباید به شغل دیگری مشغول شوند و یا سمت رسمی دومی را بپذیرند؛ زیرا اشتغال به شغل دوم، علقه‌هایی ایجاد می‌کند که احتمال خروج قاضی از

بیطرفی و ورود آسیب به استقلال او را افزایش می‌دهد. به همین دلیل، ممنوعیت اشتغال قضات به شغل دوم مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته و در برخی قوانین نیز پیش‌بینی شده است. برخی از نویسندگان از این نظر فراتر رفته و برای پیشگیری از دادن وعده‌های اغواکننده به قضات، لزوم ممنوعیت اشتغال قضات به کار دیگر را تا سه سال پس از ترک مسند قضا لازم دانسته‌اند. [۳۰، ص ۹۶] اصل ۱۴۱ ق.ا. و ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل (مصوب ۱۳۷۳)، داشتن بیش از یک شغل دولتی را ممنوع کرده است. این مقررات فقط دربردارنده بخشی از موضوع مورد بحث است و به همین دلیل تأمین‌کننده منظور نیست.

#### ۴-۳-۲. عدم قضاوت در پرونده‌های مرتبط با خود و اطرافیان

مشارکت در فرایند دادرسی پرونده‌هایی که نتیجه حاصل از آن‌ها به خود قاضی و یا بستگان و اطرافیان او ارتباط پیدا می‌کند، به شدت استقلال قاضی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین مواردی، حفظ استقلال بسیار دشوار و احتمال قرار گرفتن در مظان اتهام بسیار زیاد خواهد بود. به همین دلیل، اجتناب از مداخله در این پرونده‌ها موضوعی است که بنا به نظر حقوقدانان در تضمین بیطرفی و استقلال رأی قضات مؤثر است. در برخی اسناد بین‌المللی، نظیر اصول بنگلور (اصل ۳-۵) و قوانین ایران (مواد ۴۶ تا ۵۰ ق.ا.د.ک) به این موضوع پرداخته شده است.

#### ۴-۳-۳. اجتناب از عدالت بخشنامه‌ای

قضا به معنای حاکمیت قانون، و قوه قضاییه نماد اعلا و اجلای این حاکمیت در هر کشور است. به موجب رژیم قانونی بودن حقوق کیفری [۳۱] که ریشه در شرع، قانون اساسی و اسناد بین‌المللی دارد و دادگاه‌ها مکلف به عمل به آن هستند. سنجه دادگاه‌ها در تمامی اقدامات، فقط قانون است. اصل استقلال قاضی به معنای تبعیت صرف قضات از قانون و عدم امکان امر و نهی به آن‌ها درخصوص نحوه قضاوتشان توسط قضات برخوردار از جایگاه بالاتر و حتی توسط بالاترین مقام قوه قضاییه است. بنابراین، صدور بخشنامه و دستورالعمل خطاب به قضات درخصوص تعیین نحوه برخورد با مجرمان، اعم از تشدید، تخفیف و یا تبدیل مجازات با اصل استقلال قضایی مغایر و بیانگر عدم اهتمام متولیان دستگاه قضایی به این اصل اساسی و



مهم است.<sup>۱</sup> ریشه بسیاری از معضلات سیستم قضایی، ناشی از همین نقطه ضعف اساسی است که مدیران عالی قوه قضاییه بنا به مصالح مدیریتی، نه تنها تاکنون اقدامی در جهت حل و رفع آن نکرده‌اند، بلکه آن را گسترش نیز داده‌اند. به عبارت دیگر در این زمینه، مصالح مقطعی مدیریتی دوران تصدی مدیر بر مصالح عمده و کلان نظام غلبه کرده است.

#### ۴-۳-۴. عدم اجرای احکام قضایی توسط سایر قوا و نهادهای حکومتی

تعداد قابل توجهی از احکام دادگاه‌ها به این دلیل که یا محکوم‌علیه آن احکام، سازمان‌ها و نهادهای حکومتی هستند و یا اجرای آن‌ها از وظایف این دستگاه‌ها است، باید توسط مراجع دولتی به مرحله اجرا درآیند. یکی از موارد تضعیف اصل استقلال، عدم اجرای احکام قطعی دادگاه‌ها توسط نهادهای حکومتی است که با تکیه بر قدرت و سوءاستفاده از آن صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر با استفاده از امکانات نظام به خود نظام و یکی از اصول مسلم استحکام آن لطمه وارد می‌شود. در ماده ۵۷۶ و ۵۷۷ ق.م.ا. عدم اجرای احکام دادگاه‌ها و مداخله در امر قضا جرم‌انگاری شده و برای آن ضمانت‌اجرای کیفری تعیین شده است؛ لکن عمل به این مواد مستلزم اجتناب از اعمال ملاحظات جانبی آن است.

#### ۴-۳-۵. عدم انقطاع قضایی

چالش‌های مدرن استقلال قضایی ممکن است پر سر و صدا نباشند؛ اما در اغلب موارد، نسبت به گذشته از شکل دقیق‌تری برخوردارند. هرچند امروزه مقامات اجرایی درباره تصمیمات به تأخیر افتاده و موارد دیگر به قضاات تلفن نمی‌زنند و رؤسای سایر قوا بخصوص قوه مجریه برای قضاات دستورالعمل صادر نمی‌کنند [۳۲] و در عزل و نصب آنان به ظاهر دخالت نمی‌کنند، اما دخالت در امر قضا و تضعیف استقلال آن توسط قوای دیگر ممکن است به صورت غیرمستقیم و غیرآشکار صورت گیرد. در این شکل از دخالت، قوه مجریه و یا قوه مقننه ممکن است با استدلال‌های به ظاهر موجه و مشروع از قبیل رعایت مصالح عامه و...، از طریق تهیه لایحه و تصویب قانون مبادرت به این کار کنند و جریان قضایی عادی در حال انجام را منقطع و جهت آن را به سمت دلخواه خود تغییر دهند. ایجاد مراجع قضایی استثنایی،

۱. ر.ک.: مجموعه بخشنامه‌های قوه قضاییه (۳ جلد)، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۲.



ابطال احکام قضایی و کاهش یا نادیده گرفتن مصونیت‌های قضات، حتی اگر با وضع قانون نیز صورت گیرد دخالت در امر قضا و تضعیف استقلال آن محسوب می‌شود. این شکل از تضعیف استقلال قضایی از ناحیه خود قوه قضاییه نیز قابل تصور است؛ در آنجا که با استفاده از حربه قانون و از طریق تنظیم لوایح و ارائه به مجلس از ادامه جریان موجود که ممکن است مطلوب نباشد و یا به نتیجه مورد نظر منتهی نشود، ممانعت به عمل می‌آورد. شیوه دیگری که ممکن است با استفاده از آن مبادرت به نادیده گرفتن و تضعیف استقلال قضایی شود، انحلال دادگاه‌ها به منظور جابه‌جا کردن قضات و یا پرونده‌های در حال رسیدگی است. [۱۱، ص ۳۹]

#### ۴-۳-۶. عدم اعتماد عمومی به قوه قضاییه

گرچه عوامل نارضایتی از قوه قضاییه بسیار است، لکن زیانبارترین عامل نارضایتی، احساس عدم عدالت است. عدم رضایت درباره اجرای عدالت به طور مستقیم به سطح اعتماد و اطمینان عمومی به دادگستری ارتباط پیدا می‌کند. عامه مردم ممکن است احساس کنند که دادگاه‌ها بسیار کند یا پرهزینه‌اند. این احساس، اعتماد آن‌ها را به دادگاه‌ها از بین نمی‌برد؛ اما هنگامی که آن‌ها فکر کنند در دادگاه‌ها عدالت اجرا نمی‌شود یا قضات درستکار، بیطرف و قابل اعتماد نیستند، اعتماد آن‌ها به کل سیستم دادگستری از بین می‌رود. این تهدید بزرگ‌ترین تهدید است؛ زیرا فقدان اعتماد عمومی به طور غیر قابل اجتناب، به تهدیدی پایدار برای استقلال قضایی تبدیل خواهد شد. به بیان دیگر، عملکرد ضعیف قضات، دروازه‌ای خواهد بود که از طریق آن، قوی‌ترین چالش‌های استقلال قضایی وارد خواهد شد. برای این که عملکرد ضعیف و نامناسب، موجب عدم اعتماد عمومی گشته، مداخله گسترده و غیرقابل مهار دیگران در وظایف قوه قضاییه را به دنبال می‌آورد. [۹]

#### ۴-۳-۷. عدم طرح انتقادات مخرب

انتقاد از قضات و احکام آن‌ها ذاتاً بد و اشتباه نیست، بلکه لازمه امر قضا و بخشی جدایی‌ناپذیر از آن است. هنگامی که عملکرد قضات اشتباه باشد، انتقاد برای نشان دادن قصورها لازم است. اما اگر انتقاد مخرب و گمراه‌کننده باشد، به‌ویژه اگر در ارتباط با یک قاضی و یا حکم خاص صورت گیرد و آن قاضی بنا به رویه موجود یا مقررات مربوط به



رفتار قضایی، ممنوع از دادن پاسخ عمومی باشد، به دلیل تبعات زیانبار و فشاری که متوجه قاضی می‌شود، تهدیدکننده استقلال قضایی خواهد بود. [۳۳]

#### ۴-۳-۸. عدم مداخله وزیر دادگستری در امر قضا

وزیر دادگستری فاقد سمت قضایی و از کارکنان قوه مجریه است و به دلیل تبعیت از رئیس قوه مجریه و هیأت وزیران فاقد استقلال و غیر بهره‌مند از تضمینات مربوط به استقلال قضایی در تصمیمات خود است. همچنین از تضمین داده شده در قانون اساسی به قضات درخصوص عدم امکان عزل و جابه‌جایی بهره‌مند نیست. او دارای وظیفه‌ای سیاسی است که اشتغال به آن برای قضات ممنوعیت قانونی دارد. [۱۲] بنا به دلایل یادشده، دخالت وزیر دادگستری در امر قضا، تجاوز به استقلال قضایی محسوب و موجب تضعیف آن می‌شود. در نظام حقوقی ایران با توجه به اصل ۱۶۰ق.ا. مداخلات وزیر دادگستری در امور مربوط به قوه قضاییه محدود و غیر اثرگذار در امر قضا است.

### ۵. نتیجه‌گیری

استقلال قضایی به‌عنوان شرط اساسی حمایت از آزادی‌های فردی و تساوی افراد در برابر قانون، از اصول مهم و بنیادین نظام قضایی است که به منظور احقاق حق و با هدف اقامه عدل صورت می‌گیرد. این اصل در برگرفته این معنا است که قوه قضاییه و قضات به‌عنوان یک مجموعه واحد، آزاد از هرگونه اعمال نفوذ و تأثیرپذیری و رها از تمامی علایق و سلائیق عمل می‌کنند و هرچند دارای دو جنبه استقلال سازمانی و استقلال فردی است، جنبه محوری آن، استقلال فردی قضات است و جنبه دیگر باید در راستای استقلال در تصمیم‌گیری مورد توجه قرارگیرد. تحقق این استقلال و دوام آن نیازمند فراهم آمدن شرایط متعددی است که با توجه به بررسی انجام شده، حفظ و بقای آن به‌مراتب دشوارتر از برقراری اولیه آن است. در نظام حقوقی ایران، هم در قانون اساسی و هم در مقررات عادی به این مقوله توجه شده و پیش‌بینی‌هایی صورت گرفته است. هرچند این مقررات در بعد استقلال سازمانی کافی و وافی به منظورند، لکن به دلیل عدم توجه به آن‌ها در عمل و نادیده گرفتن عملی برخی از شرایط اساسی استقلال قضایی، این جنبه از استقلال در عرصه نظام حقوقی محقق نشده است. از لحاظ استقلال فردی قضات، علاوه بر کاستی‌ها، اشکالات و عدم پایبندی‌های عملی، مقررات قانونی

نیز به دلیل جامع و مانع نبودن، تمام زوایای موضوع را در بر ندارند و تأمین‌کننده وضع مطلوب نیستند. بنابراین به رغم وجود مقررات قانونی، اصل استقلال قضایی در نظام حقوقی ما به فعلیت کامل نرسیده و سیستم قضایی از این نظر با اشکالات بنیادین مواجه است. رفع این اشکال نیازمند اهتمام بیشتر در عرصه نظری و عملی، به این موضوع بسیار مهم است.

## ۶. منابع

- [۱] *استقلال القضاء*، مرکز الدراسات القضائیه التخصصی عربستان، ۲۰۰۶ قابل دسترسی در: [www.cojss.com/article.php](http://www.cojss.com/article.php)
- [۲] ضیف‌اله سید، *نزاهه الانتخابات و استقلال القضاء*، مرکز القاهره لدراسات حقوق الانسان، ۲۰۰۵.
- [3] Sheller C. S. C., «Judicial Independence, Supreme Court New South Wales», Annual Conference Of The Industrial Relations Commission Of New South Wales At Sutton Forrest, 3 May 2002.
- [4] «Judicial Independence», American Judicature Society: Center for Judicial Independence, 2008 At: [www.ajs.org/styles/ss\\_ajs\\_global\\_win\\_ie.css](http://www.ajs.org/styles/ss_ajs_global_win_ie.css)
- [۵] خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۱۹.
- [۶] الشریف طراد بن فهد نصیر، *استقلال القضاء فی الشریعه الاسلامیه و تطبیقاته فی المملکه العربیه السعودیه*، جامعه نایف العربیه للعلوم الامنیه، کلیه الدراسات العلیا قسم العداله الجنائیه، ریاض، بی تا.
- [7] Gillespie Alisdair, *Judges and Judicial Independence*, Oxford University Press, 2007/12/1 at: [www.oup.com/uk/orc/bin/9780199281343/gillespie\\_ch06.pdf](http://www.oup.com/uk/orc/bin/9780199281343/gillespie_ch06.pdf)
- [8] «Keeping The System Fair and Efficient», Department of Justice-Canada, 2005 at: [www.justice.gc.ca/incl](http://www.justice.gc.ca/incl)
- [9] K. Warren Roger, «The Importance of Judicial Independence and Accountability» at: [www.ncsconline.org/WC/Publications/KIS\\_JudIndSpeechScript.pdf](http://www.ncsconline.org/WC/Publications/KIS_JudIndSpeechScript.pdf)
- [۱۰] هاشمی سید محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ج ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.



- [11] Debeljak Julie, «Judicial Independence in the Modern Democratic State», Australian, Reform Issue 74 , Autumn 1999, pp. 35-39 at: [www.austlii.edu.au/cgi-](http://www.austlii.edu.au/cgi-)
- [12] Tien Dung Luu, Judicial Independence in Transitional Countries», United Nations Development Programme – Oslo Governance Centre, January 2003.
- [۱۳] هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله، *منهاج البراعه*، ج ۱۸، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۵۸.
- [۱۴] مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، ج ۷۵، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ قمری.
- [۱۵] الفضل منذر، *مبدأ استقلال السلطه القضائیه و اهدار حق التقاضی فی العراق*، لندن، ۲۰۰۱. قابل دسترسی در: [www.aliraqi.org/forums/showthread.php?t=5313](http://www.aliraqi.org/forums/showthread.php?t=5313)
- [16] «Principles on Judicial Independence and Fair and Impartial Courts», American Bar Association, August 2007, 110D. at: [www.abanet.org/leadership/2007/annual/docs/hunderdtend.doc](http://www.abanet.org/leadership/2007/annual/docs/hunderdtend.doc)
- [۱۷] الحسنی مهند، *استقلال السلطه القضائیه فی سوریه*، مرکز دمشق لدراسات حقوق الانسان، بی تا. قابل دسترسی در: [www.dchrs.com/show.php](http://www.dchrs.com/show.php)
- [18] Klerman Daniel, «Legal Infrastructure, Judicial Independence», Law and Economics Working Paper Series, University of Southern California Law School, Year 2006 Paper at: <http://law.bepress.com/usclwps/lewps/art43>
- [19] Stevens Robert, «A Loss of Innocence? Judicial Independence and the Separation of Powers», *Oxford Journal of Legal Studies* , Vol.19, Autumn 1999.
- [۲۰] عبید محمد کامل، «حق المواطن العربی فی اللجوء الی قاضیه الطبیعی»، مؤتمر العداله العربی الثانی نحو دعم و تعزیز استقلال القضاء، القايره، فبراير ۲۰۰۳.
- [21] Smilov Daniel, «EU Enlargement and the Constitutional Principle of Judicial Independence», 2003 at: [www.iue.it/Law/Events/wsworkshop Nov2003/Smilov\\_paper.pdf](http://www.iue.it/Law/Events/wsworkshop Nov2003/Smilov_paper.pdf)
- [۲۲] حبیب‌زاده، محمد جعفر و محمد توحیدی فرد، *قانونمداری در قلمرو حقوق کیفری*، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۶.
- [۲۳] جرالده برایر استفان، *استقلال قضایی در ایالات متحده*، ترجمه دفتر اطلاعات بین‌المللی، وابسته به وزارت خارجه ایالات متحده امریکا، ۱۹۹۵. قابل دسترسی در:

- [www.democracy.gov/dd/per\\_democracy\\_dialogues/per\\_courts/persian\\_courtsbreye](http://www.democracy.gov/dd/per_democracy_dialogues/per_courts/persian_courtsbreye)
- [24] Brooke Henry, «Judicial Independence - Its History in England and Wales» at: <http://www.judcom.nsw.gov.au/fb/fbbrook.htm>
- [25] B. Burbank Stephen, *Judicial Independence, Judicial Accountability*, University of Pennsylvania Law School, 2006 At: <http://lsr.nellco.org/upenn/wps/papers/102>
- [۲۶] بن عمرو عبد الرحمن، *استقلال القضاء*، ۲۰۰۴. قابل دسترسی در: [www.rezgar.com/debat/show.art](http://www.rezgar.com/debat/show.art)
- [27] Human Rights in the OSCE Region: Europe, Central Asia and North America; International Helsinki Federation for Human Rights(IHF), Report 2007 (Events of 2006) at: [http://www.ihf-hr.org/documents/doc\\_summary.php?d\\_id=4387](http://www.ihf-hr.org/documents/doc_summary.php?d_id=4387)
- [۲۸] کاشانی، سید محمود، *استانداردهای جهانی دادگستری*، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۳.
- [۲۹] دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد با همکاری کانون بین‌المللی وکلا، *حقوق بشر در دستگاه قضایی*، ج ۱، مترجم سعید نوری نشاط، کابک خبیری و امین روان بد، تهران، انتشارات سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ۱۳۸۸.
- [۳۰] البشیری طارق، *القضاء المصری بین الاستقلال والاحتواء*، القاهرة، مکتبه الشروق الدولیه، ۲۰۰۶.
- [۳۱] حبیب‌زاده، محمد جعفر، «رژیم قانونی بودن حقوق کیفری»، *مجله قضایی و حقوقی دادگستری*، ش ۲۳، تابستان ۱۳۷۷.
- [32] P.C. McLachlin, «Judicial Independence», The 300th Anniversary of the Act of Settlement Conference, Vancouver, British Columbia, May 11, 2001.
- [33] «Beyond accountability and independence Judicial Selection and State Court Performance», American Judicature Society; Center for Judicial Independence, Judicature, Vol.90, No.5, March-April 2007, pp.226-232, At: [https://www.ajs.org/ajs/publications/Judicature\\_PDFs/905/cann\\_905.pdf](https://www.ajs.org/ajs/publications/Judicature_PDFs/905/cann_905.pdf)